

مراد امام^{ره} شرق و غرب فکری بود

حجت الاسلام محمد حاج ابوالقاسم معتقد است: «از موارد تحریف در مکتب امام^{ره}، شعار نه شرقی نه غربی است که برخی به دنبال این هستند که این را به معنای فاصله گرفتن از شرق جغرافیایی معنا کنند؛ در حالی که مراد امام^{ره} از این شعار، شرق و غرب فکری بود؛ شرق فکری ای که سال‌هاست از بین رفته و غرب فکری هم به لطف الهی از بین خواهد رفت. اما غرب‌گرایان که به دنبال در پوزگی به درگاه آمریکا و اذتاب او هستند، از تباط ایران با کشورهای مثل چین، نگران هستند و با بهانه کردن شعار نه شرقی نه غربی، به دنبال قطع این ارتباط با هدف ارتباط برقرار کردن با آمریکا هستند. جالب است که این افراد در برقراری ارتباط با غرب این شعار را کنار می‌گذارند و موقعی که وقت ارتباط با شرق می‌شود، یاد این شعار می‌افتند؛ در حالی که اگر این شعار بخواند مصداق پیدا کند، نه غربی است؛ چرا که غرب فکری است که زنده است و حیات دارد و دشمن شماره یک ایران محسوب می‌شود.»



خردنامه

اقتراحی از استادان حوزه و دانشگاه درباره چرایی تحریف‌های اندیشه حضرت امام^{ره} در جامعه

خطوط اصلی تحریف‌کنندگان مکتب امام^{ره} باید شناخته شود

مسئله تحریف اندیشه‌های مصلحین اجتماعی، قدمتی به طول کل تاریخ دارد. داستان انبیا را در قرآن از این منظر بخوانید و به روشنی خط تحریف آموزه‌های انبیا را توسط طاغوت‌های عالم، رصد کنید. حضرت امام(ره) و نهضت انقلاب اسلامی از این قاعده مستثنا نبودند و ایشان چه در عمر با برکت خود و چه بعد از رحلت، گرفتار جریانات تحریف داخلی و خارجی بودند. شناخت خطوط اصلی این تحریف‌کنندگان، بهانه‌ای است برای اینکه یک‌بار دیگر اصول اساسی مکتب امام(ره) بازخوانی شود که بحق، احیای جامعه مادر گرو تحقق این اصول است. بدین منظور سراغ حجج الاسلام والمسلمین محمد رضا فلاح شیروانی و محمد حاج ابوالقاسم رفتیم. استاد فلاح یکی از معدود استادانی هستند که عمری را در راه تحقیق در ابعاد مختلف اندیشه امام(ره) صرف کرده‌اند و آثار عمیق و دقیقی را پیرامون این موضوع به طبع رسانده‌اند. ایشان بحث تحریف مکتب امام(ره) در کلام رهبری را به صورت تاریخی و کاملاً مجمل مورد بررسی قرار دادند. همچنین استاد حاج ابوالقاسم به دلیل تحقیقات عمیق قرآنی از یک سو و نزدیک بودن به جریانات مختلف سیاسی (به دلیل عضویت در مجلس خبرگان رهبری و رابط رئیس‌جمهور در ارتباط با حوزه‌های علمیه) می‌تواند دیدبان خوبی برای رصد تحریف‌کنندگان باشد. ایشان اصلی‌ترین تحریف‌های اندیشه حضرت امام(ره) در جامعه ما را مورد اشاره قرار دادند.



حجت الاسلام حمزه وطن‌فدا پژوهشگر اندیشه امام خمینی^{ره}
غفلت؛ زمینه ساز تحریف

پروژه شیطان، تحریف اهداف انبیای الهی است، اما آنچه زمینه تحریف را فراهم می‌سازد، پدیده شوم و خطرناک غفلت است. اول مومنان از آموزه‌های انبیا غفلت می‌کنند و در مرحله بعد شیطان به میدان می‌آید و پروژه تحریف را به گونه‌ای رقم می‌زند که دیگر امکان برگشت وجود ندارد؛ لذا می‌بینیم غفلت جامعه از امیرالمومنین (ع) و حادثه غدیر، فضایی را شکل می‌دهد که دیگر اسلام از اساس تحریف شود. در انقلاب هم همین گونه است؛ چون نخبان و حزب‌اللهی‌های ما از انقلاب و امام(ره) چه در مقام آرمان و چه در مقام ارزش‌های طول مسیر و چه در مقام روش و نرم‌افزار حرکت - غافلند؛ این زمینه می‌شود در فضایی که نام و یاد امام(ره) هست، محبت به امام(ره) در میان مردم، موج می‌زند، اما امام(ره) و اصول ایشان، عملاً کنار گذاشته شده است.

امام(ره)، ۳ پروژه اصلی دارد: یکی تقابل با نظام سلطه، به روشنی، ایشان، آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند و اینکه این نماد فرعون در دنیای امروز، مشغول به بردگی گرفتن همه انسان‌هاست. امام(ره) به جد به دنبال شکل‌گیری یک جبهه عظیم ایمانی مستضعفین که عزت انسان‌ها را دنبال می‌کند، هست، صریح جمله امام(ره) بدون تعارف این است: «ما به دنبال خشکاندن ریشه فاسد سرمایه‌داری، کمونیسم و صهیونیسم در جهان هستیم و تصمیم گرفته‌ایم نظام‌هایی را که بر این پایه استوار هستند، نابود سازیم و اسلام رسول‌الله را جایگزین سازیم؛ حال اگر نظام سلطه اسم این را امپراتوری می‌گذارد، ما از آن استقبال می‌کنیم.» از این آموزه غفلت شد که انقلاب اسلامی باید در همه حوزه‌ها نسبت به این جبهه طاغوت، حالت تهاجمی داشته باشد. این آرمان به خصوص در دوران سازندگی با ادبیات تنش‌زدایی مورد غفلت قرار گرفت و گفتمان تهاجم به غرب و تشکیل هسته‌های مقاومت در سرتاسر جهان هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ نظامی، به تدریج فراموش شد. در مقابل در همان قبول قطعنامه شما به روشنی می‌بینید که امام(ره)، دست از مبارزه برنداشته‌اند و فریاد می‌زنند که کمربندها را محکم‌تر ببندید.

پروژه دیگر حضرت امام(ره)، ساخت یک جامعه طیب مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و کاملاً مستقل است؛ جامعه‌ای که همه ارزش‌های انسانی را محقق کرده است. بر همین اساس بود که نهادهای مختلفی چون بسیج، سپاه، کمیته، نهضت سوادآموزی و... شکل گرفت. غفلت از نرم‌افزارهای اداره مکتب امامی جامعه، سبب شد که همان آموزه‌های نظام سلطه، محور جامعه‌سازی مآقار گیرد که زمینه نفوذ این نظام فرعون را در تار و پود کشور ما فراهم کرد. دائم نگران بودیم که جامعه جهانی ما را نپذیرد، رفتیم دنبال یک ژاپن اسلامی.

بر اساس این دو پروژه که در بالا گفته شد، تحریف سوم هم شکل گرفت. جبهه انقلاب اسلامی به طور طبیعی تقابلی با نیروهای شرق‌گرا و غرب‌گرای داخل کشور را شکل داد؛ گروه‌هایی که زمینه اصلی تحریف در کشور را آنها رقم می‌زدند. مجموع این تحریفات را شاید بتوان در عنوان اقتدارزدایی جمع کرد. به این بیان که عملاً اقتدار و عزت ما را چه در تقابل با نظام سلطه و چه در مبارزه با مفسدین داخلی اعم از مفسد اقتصادی و فرهنگی از بین بردند.



حجت الاسلام محمد حاج ابوالقاسم، عضو خبرگان رهبری و رابط رئیس‌جمهور در حوزه‌های علمیه

تحریف باطعم جمهوری و نه شرقی نه غربی

می‌گویند و به این نهاد قانونی همجه وارد می‌کنند و عجیب آنکه این را مستند به امام(ره) و نظر ایشان می‌دانند؛ در حالی که کلمات ایشان در تأکید بر این نهاد قانونی بسیار زیاد است و باز به بهانه جمهوریت، دنبال برگرداندن عناصر فتنه‌گر به عرصه حاکمیت هستند. امام(ره) به جمهوریت اعتقاد عمیق داشت، ولی در کنار آن به اسلام، قانون اساسی و طرد عناصر لیبرال و فتنه‌گر معتقد بود.

به تعبیر امام^{ره} ملاک، حال فعلی افراد است

از نمونه‌های دیگر تحریف امام این است که با انتشار رأی ایشان در یک دوره خاص به افرادی، به دنبال تلهیر جریاناتی هستند که اگر امام(ره) امروز در میان ما بود، مطرود امام(ره) بودند. امام(ره) طبعاً در آن شرایط به افرادی رأی دادند و به هیچ وجه سند رضایت ایشان پس از ۳۰ تا ۴۰ سال نمی‌شود و به تعبیر ایشان ملاک، حال فعلی افراد است. مصداق دیگر تحریف مکتب امام(ره) آن است که امام(ره) در مورد آمریکا، مطالب شفاف‌تری فرمودند؛ مطالبی که به هیچ وجه مقید به یک زمان و مکان خاص نیست؛ به ملاک‌هایی برای قطع ارتباط با آمریکا امام(ره) اشاره کردند که همان ملاک‌ها موجود است.

برای اینکه از این تحریف‌ها بتوانیم فاصله بگیریم باید شاخص داشته باشیم. شاخص، ولی فقیه و رهبر حکیم انقلاب است که به معنای واقعی شاسگرد مکتب امام(ره) بوده و منویات امام(ره) را به خوبی می‌داند و بهترین شاخص برای شناخت تحریف مکتب امام(ره) است. کسانی که بارهبر انقلاب همراهی می‌کنند، قطعاً در خط و مسیر امام(ره) هستند و کسانی که مقابل ایشان می‌ایستند، قطعاً مقابل مکتب امام(ره) ایستاده‌اند؛ اگرچه خود را دنباله‌روی امام(ره) بدانند.

امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و شاخص حرکت انقلاب اسلامی، همواره باید مورد توجه آحاد مردم قرار داشته باشد و از آنجایی که ایشان بیشترین نقش را در حرکت انقلابی مردم ایران دارند، بیشترین دشمنی هم متوجه این شخصیت الهی دوران ماست. البته دشمنان گاهی به صورت عریان و شفاف با امام(ره) مقابله کرده و گاهی با سوءاستفاده از بیانات ایشان و در لباس ارادتمندان ایشان، دشمنی خود را محقق می‌کنند. نوع دوم را قرآن نفاق نام می‌گذارد که به مراتب از کفر خطرناک‌تر است و بسیار هم پیچیده بوده و در دشمنی با جبهه حق عمل می‌کند.

تحریف مکتب امام هم انواعی دارد؛ گاهی مطلبی را که امام(ره) نفرموده، به دروغ به ایشان نسبت می‌دهند. گاهی مطلبی را در شرایط خاصی گفته‌اند که با حذف آن شرایط در موضوع دیگری که اصلاً مدنظر امام(ره) نبوده، پیاده شده و عملاً هدف ایشان نقض می‌شود. گاهی هم از سخن امام(ره) تفسیری می‌شود که خود ایشان نمی‌پسندند؛ مثلاً مطلبی را مطلق گفته‌اند و اما آن را مقید به قیدی می‌کنند و موارد دیگر.

اما به صورت مصداقی تر برخی به بهانه دفاع امام(ره) از جمهوریت، به دنبال میدان دادن به عناصر لیبرال و ایجاد فرصت برای غرب‌گرایان هستند؛ در حالی که امام(ره) به همان مقداری که به جمهوریت نظام غیرت داشت به اسلامیت آن هم تعصب داشت و همین امام(ره)، جبهه ملی را به خاطر مخالفت با لایحه قصاص، غیرقانونی اعلام کرد و در مقابل آنها ایستاد. چطور می‌شود امروز برخی به بهانه جمهوریت و مشارکت حداکثری به دنبال فسادادن به چنین اشخاصی باشند؟ یا مثلاً به بهانه مشارکت حداکثری در انتخابات، شورای نگهبان را